

پرسش و پاسخ قضایی

باتوجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تپش درخصوص موضوعات حقوقی از جمله فسخ معامله، ارث بردن نوه، درخواست اعسار، درخواست



دیه از بیت المال و توقیف ارث توسط طلبکار، **مریم جنت آبادی**، کارشناس ارشد حقوق خصوصی به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

فسخ معامله

سلام سه ماه قبل خانه ای را با پارکینگ قولنامه کردم والان که تحویل گرفتم، پارکینگ ندارد، مالک می گوید، منظورش انباری بوده و به اشتباه پارکینگ نوشته است. الان باید چه کار کنم؟

سلام می توانید دادخواست فسخ معامله را بدهید و هزینه ای که بابت پارکینگ پرداخت کرده اید را از مالک بگیرید. در این ماجرا، آنچه در قولنامه ذکر شده، مورد استناد است.

ارث بردن نوه

پدرم دوسال قبل فوت شد و حالا مادر بزرگم فوت شده است. عموهام مدعی هستند به من ارث نمی رسد. من نوه او هستم و از ارث هم محروم نشده ام، حالا آنها چطور این حرف را می زنند؟

اگر پدرتان بعد از مادر بزرگتان فوت کرده بودند سهم ارث ایشان به شما می رسید، اما به دلیل فوت پدرتان قبل از مادر بزرگتان، رابطه ارثی شما قطع شده و به دلیل این که عموهایتان در قید حیات بوده و در طبقه مقدم شما هستند، ارثی به شما تعلق نمی گیرد.

درخواست اعسار

فردی از من طلبکار است و زمین کشاورزی ام را توقیف کرده است. من درخواست اعسار داده ام و در دادگاه در حال بررسی است. برای رفع توقیف چه کار باید انجام دهم؟

شما باید یا بدهی خود را با طلبکاران تسویه کنید یا این که حکم اعسار شما صادر شود و اگر زمین را می خواهید از توقیف خارج کنید باید به همان ارزش باغ، مال دیگری معرفی کنید.

درخواست دیه از بیت المال

مادرم چند سال پیش به قتل رسید؛ پدرم خیلی پیر بود و بازور حرکت می کرد. او را به عنوان متهم گرفتند اما اعتراف نکرد و به زندان رفت. رضایت دادیم و آزاد شد. ما می دانیم که او قاتل نیست. بعد از آزادی پدرم فوت شد. می توانیم درخواست دیه از بیت المال را بدهیم؟ اگر مدارکی وجود داشته باشد که نشان دهد قاتل پدرتان نبوده است، می توانید این درخواست را مطرح کنید.

توقیف ارث توسط طلبکار

از پدرم يك ملك به وراث رسیده اما توسط طلبکاری توقیف شده است. این ملك سهم ارث ما است و او چطور توانسته آن را توقیف کند؟ این اقدام درست انجام شده است. مال مشاع کلی توسط دادگاه قابل توقیف است، مگر این که رضایت شاکي جلب شود و از توقیف خارج شود.



شوهرم مرا با دخترهای فامیل مقایسه می کند

حمیده و داریوش پنج سال بیشتر نتوانستند کنار هم زندگی کنند. حمیده از رفتارهای شوهرش خسته شده بود و بعد از پنج سال سکوتش را شکست. هرچه در این سال ها تحمل کرده بود را گفت و در نهایت زندگی این زوج جوان به دادگاه خانواده تهران کشیده شد.

این که چند وقت پیش داریوش باز هم شروع کرد به مقایسه من با دختران فامیلش؛ دیگر طاقت نیاوردم. حتی به يك جرو بحث کوتاه هم اکتفا نکردم. هرچه در این سال ها در دلم بود را گفتم و تصمیم گرفتم برای همیشه از شوهرم جدا شوم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من فقط می خواستم همسرم خوب لباس بپوشد و همیشه بهترین باشد. چون می دانستم اعضای فامیل و بستگان ما چقدر به این طور مسائل اهمیت می دهند، دلم می خواست همسرم از همه سر باشد.

دوست داشتم وقتی به مهمانی های بستگانم می رویم، همسرم بدرخشد و کسی در موردش حرف بدی نزنند. چون بستگانم را می شناختم. برای همین به او می گفتم خوب بپوش و خوب رفتار کن. حرف بدی هم نمی زدم.

فقط روی این مساله حساس بودم و حمیده هم از روز اول این موضوع را می دانست. اما چند وقت پیش چنان جنجالی به پا کرد که شوکه شدم و من هم تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با يك مشاور خانواده مشورت کنند.

وقتی این زوج در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفتند، قاضی علت دادخواست جدایی را پرسید. زن جوان بلافاصله رشته کلام را در دست گرفت و در این باره گفت: پنج سال است که دارم

تحمل می کنم و در این مدت مدام از سوی شوهرم تحقیر می شوم و حرفی نمی زنم.

داریوش فکر می کند از بهترین خانواده به دنیا آمده و همه اعضای فامیلش برترین آدم های روی زمین هستند. همیشه مرا با آنها مقایسه می کند. از همان روزهای اول این اخلاق را داشت. حتی اخلاق و رفتار و صحبت هایم را هم با آنها مقایسه می کند. هرچه می گویم، می گوید چرا مثل فلانی نیستی. در این مدت سعی کردم تحمل کنم و حرفی نزنم. البته چند بار سر همین موضوع با او دعوایم شد و گفتم چرا مرا تحقیر می کنی. اما همچنان با غرور درباره خانواده اش با من حرف می زد. پنج سال است، دارم تحمل می کنم و تحقیر می شوم. تصور می کنم شوهرم مرا قبول ندارد و حتی باعث خجالت و سرافکنندگی او در مقابل خانواده اش هستم.

خسته شدم از بس مرا با دیگران مقایسه کرد. دیگر از تمام دخترها و زن های فامیل بدم می آید.

خیلی وقت است که حتی به مهمانی هایشان هم نمی روم. تا

سیمافراهانی

تپش

همدیگر را سرزنش نکنید

منصوره نیکوگفتار، روان شناس در این باره می گوید: در زندگی زناشویی حرف زدن بهترین کار است. اما معمولا، این موضوع برای زوج ها کاری بیهوده و بی تاثیر محسوب می شود. زنان و مردان به گفت وگوهای مشترک بی اعتماد شده اند یا حس می کنند حرفی برای گفتن میانشان باقی نمانده است. در صورتی که آنها می توانند از روش های صحبت کردن برای بهتر شدن ارتباط میان خود و همسرشان استفاده کنند و حرف زدن را به عنوان راهی برای خوشبختی بدانند. از سوی دیگر واکنشی که زن و شوهر به حرف های طرف مقابلشان نشان می دهند هم بسیار مهم است و می تواند

گفت وگوهای بعدی را هم تحت تاثیر قرار دهد. اگر نتیجه صحبت زوج ها همیشه سرزنش و شکست باشد، دیگر میلی برای گفتن حرف های تازه باقی نخواهد ماند. برای همین بهتر است زن و مرد با دل و جان به حرف های هم گوش دهند و انگیزه را برای گفتن حرف های تازه تقویت کنند. آنها باید یادشان باشد واکنش به حرف های طرف مقابل کلید اصلی این ماجراست. برای همین بهتر است زوج ها در مورد مشکلات با هم صحبت کنند و هنگام صحبت کردن هم رفتاری بسیار منطقی داشته باشند تا حس لجبازی و درگیری و در نهایت بی میلی نسبت به صحبت کردن را در همدیگر ایجاد نکنند. آنها باید بدانند در هر شرایطی مراقب جملات و حتی نحوه حرف زدنشان باشند.